

میتاوارا

انتشارات مشاوران آموزش
ناشر تخصصی دروس عمومی
ناشر تخصصی علوم انسانی

۱۲ فارسی

مجموعه کتاب‌های
هدف‌دار

ویرایش جدید

مهدی کرانی
میثم حسین‌خانی
نصیر میرجانی

درسنامه کامل و جامع / ۱۰۹۸ پرسش چهارگزینه‌ای و آزمون‌های تشریحی
درس به درس / به همراه مشاوره و نکات مهم و ترفند در تحلیل پاسخ‌ها

پیشگفتار

سخن ناشر

سال دوازدهم برای شما سال غربی است و چرا؟
نه فقط برای این که آخرین سال تحصیلی شما قبل از دانشگاه است و نه فقط برای این که تلاشی خواهید داشت عظیم، برای رسیدن به دانشگاه؛ بلکه به یک دلیل مهم‌تر.
به‌زودی متوجه خواهید شد که دیگر مثل زمانی که دانش آموز یازدهم بودید، حرف نمی‌زنید و حتی مثل سال قبل راه نمی‌روید. در شما جوانی در حال روییدن است که قرار است به‌زودی سرنوشت خودش را به دست گیرد.
آخر می‌دانید آدم که دبیرستان را تمام می‌کند، لباس‌های ذهنش، برایش کوچک می‌شود.
حالا بیا بید از جایی دیگر به همین موضوع نگاه کنیم.
شما و به‌خصوص شما که دانش آموز انسانی هستید، متفاوت‌تر بزرگ می‌شوید. ذهن تان تحلیلی‌تر می‌شود. دیگر هر حرفی را نمی‌پذیرید و راضی به استدلال‌های سطحی نمی‌شوید. عمیق می‌شوید. عین چاه عمیق!
چاه عمیق دیده‌اید؟ چاه‌کن از لایه‌های سطحی زمین عبور می‌کند و می‌رسد در جایی، در آن عمق‌ها، به آب.
شما درون تان چنین می‌شود: عمیق!
و یک موضوع دیگر: می‌دانید چه چیزی دلم می‌خواهد؟
دلم می‌خواهد بگویم به شما، به شما که انتشارات مشاوران آموزش را به‌عنوان ناشر تخصصی خودتان انتخاب کرده‌اید که می‌شود «لطف کنید و امسال را خیلی جدی بگیرید؟ تا بیشتر بزرگ شوید، تا بیشتر عمیق شوید؟ می‌شود خسته نشوید؟ می‌شود وقتی زحمت می‌کشید و به اندازه زحمت‌تان، در مدرسه یا در آزمون، نتیجه نگرفتید ناامید نشوید و به خودتان بلند بگویید که هی فلانی! تو حق نداری! حق نداری که ناامید شوی و بعد دست از تلاش نکشید؟»
آخرین حرفم برای شما که دیگر برای تان حرف نخواهم زد، چرا که سال بعد در دانشگاه خواهید نشست و در جایگاه دانشجو: در تمام سال‌هایی که برای رشته علوم انسانی کار کردم یک چیز همیشه باورم بود و آن این که زمین و زمان را باید به هم بریزم تا بتوانم قدمی در راه رشد و توسعه علوم انسانی بردارم و یوانش به شما می‌گویم که احساس خوبی دارم، احساس رضایت. انگاری همه تلاش‌های من و همکارانم بی‌نتیجه نبوده است، چرا که شما، خواننده جدی ما هستید و امیدوارم که «روش‌هایی که در کتاب‌هایمان یاد گرفته‌اید را بتوانید در دانشگاه نیز به کار گیرید.»
دانشجوی آینده، سلام!

و حید تنها

مقدمه مؤلف

هزارگونه ادب، جان ز عشق آموزد

که آن ادب نتوان یافتن ز مکتبها

سخن این است که ادبیات، میوه شیرین عشق است و کسی را اگر سودای این میوه است، باید به باغ عشق درآید و از درختان پربار آن ادب و معرفت بچیند.

خواننده متون ادبی زمانی از خواندن آنها احساس لذت می‌کند که تجربیات تلخ و شیرین خود را در کلام نویسنده یا شاعر می‌بیند. با خود می‌گوید: شگفتا! این شاعر بلندآوازه (یا این نویسنده بزرگ) هم، چنین روزهایی را پشت سر گذاشته و چنین دردهایی را چشیده است؟

در این دم لذت ادبی زاده می‌شود.

وقتی قلمرو فکری را پیش از قلمروهای دیگر آوردیم منظور کسب همین لذت بود. تا ندانیم متن چه می‌گوید یا او هم‌نوا خواهیم شد و او را درک نخواهیم کرد و لذت نخواهیم برد.

از طرفی درک متن و کشف سخنان پنهان و لایه‌های زیرین آن، به‌مانند حل معادله‌ای کهنه، شیرین است.

ادبیات در مدرسه یکی از درس‌هایی است که نباید فقط برای گرفتن نمره یا درصد بالا زدن در کنکور خوانده شود. (هرچند وقتی با ادبیات یکی شوی این مقصود هم به دنبال خواهد آمد.)

امیدواریم و بر آنیم که آموزش ادبیات را به سویی که به آن تعلق دارد رهنمون شویم و کتاب حاضر تنها نمونه و گامی بسیار کوچک است در این مسیر.

در گام اول

۱. درسنامه‌ها طبق تقسیم‌بندی کتاب درسی در سه قلمرو آمد و هر متن از سه زاویه بررسی شد.
 ۲. سعی شد که درسنامه‌ها قربانی نکته‌های اضافی و جدول‌سازی‌های کنکوری نشوند. برای همین درسنامه‌ها تا حد ممکن جامع و مفصل است.
 ۳. تلاش کردیم که هر مطلب زبانی یا ادبی را هم در تست‌ها و هم درسنامه‌ها با دلیل ذکر کنیم؛ نه گزارش دهیم و در شرح آن خساست کنیم.
 ۴. پاسخ تست‌ها تشریحی و بیشتر با ذکر دلیل رد گزینه‌ها یا اثبات پاسخ‌هاست.
 ۵. عنوان «مشاوره» و «ترفند» در پاسخنامه برای دستیابی به فهم تست و زودتر رسیدن به پاسخ، در پاسخنامه گنجانده شد.
 ۶. واژه‌های مهم املائی در پایان هر درس در قالب یک تمرین مشخص شد.
 ۷. بعد از معرفی هر مطلب جدید (آرایه‌ها یا نکات زبانی) در درسنامه، تمرینی برای درک بهتر مطلب قرار داده شد که پاسخ آن در ادامه سؤال هست و بیشتر جنبه آموزشی دارد.
 ۸. کوشیدیم که تست‌ها را به‌صورت هدف‌دار بچینیم؛ هم بنا به موضوع و هم بنا به سطح دشواری.
 ۹. بخش «از دید کنکور» در درسنامه‌ها قرار داده شد تا زمانی که هنوز به شرح مطلبی زبانی یا ادبی نرسیده‌اید اما نمونه آن را در متن می‌بینید، آن نمونه را از نظر بگذرانید.
 ۱۰. شانزده آزمون تشریحی مشابه امتحان نهایی به‌تفکیک در پایان هر درس آمد تا با همین کتاب در امتحان نهایی هم به موفقیت برسید.
- در پایان سپاس داریم از همه دوستان زحمت‌کش در واحد تولید و تألیف مشاوران آموزش که حاصل رنجشان اکنون در دستان شماست.

شادمانید و سرافراز

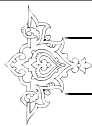
فهرست



۷	ستایش: ملکا، ذکر تو گویم
۹	درس اول: شکر نعمت
۲۱	درس دوم: مست و هشیار
۳۳	درس سوم: آزادی
۴۳	درس پنجم: دماوندیه
۵۳	درس ششم: نی‌نامه
۶۳	درس هفتم: در حقیقت عشق
۷۳	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۸۴	درس نهم: کویر
۹۷	درس دهم: فصل شکوفایی
۱۰۶	درس یازدهم: آن شب عزیز
۱۱۷	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
۱۲۹	درس سیزدهم: خوان هشتم
۱۴۱	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ
۱۵۳	درس شانزدهم: کباب غاز
۱۷۱	درس هفدهم: خنده تو
۱۷۹	درس هجدهم: عشق جاودانی
۱۸۴	نیایش: لطف تو

۱۹۳

پاسخنامه تشریحی



ستایش

ملکا ذکر تو گویم

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

فکر: ذکر و یاد خداوند پاک و مطیع او بودن

ادبی: ایهام: مصراع دوم را به دوگونه می‌توان معنی کرد و هر دو پذیرفتنی است: ۱- جز راهی که تو نشانم دهی، راه دیگری را نمی‌روم. ۲- به جز راه ذکر تو (که در مصراع اول به آن اشاره شده) راه دیگری را نمی‌روم؛ زیرا تو راهنمای منی. / تکرار: تو

زبانی: *ملک: پادشاه، خداوند (ملک: فرشته) / «ملکا» شبه‌جمله است و یک جمله محسوب می‌شود؛ پس در مصراع اول چهار جمله وجود دارد: ۱- شبه جمله (ملکا) ۲- ذکر تو گویم که (هرف ربط وابسته‌ساز) ۳- تو پاکی و (هرف ربط هم‌پایه‌ساز) ۴- خدایی (فرا هستی)

جابه‌جایی ضمیر: توام راهنمایی ۱- تو راهنمایم هستی ۲- تو به من راه بنمایی

قلمروها سه‌گانه

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم، که به توحید سزایی

فکر: عارف در جست‌وجوی خداست و تنها او را سزاوار پرستش می‌داند. / منشأ همه تلاش‌ها و عبادت‌های ما خداوند است.

ادبی: سجع و جناس بین «جویم»، «پویم» و «گویم» / تکرار: تو، توحید

زبانی: *فضل: بخشش، کرم / *پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / *سزا: سزاوار، شایسته، لایق (سزایی: سزاواری، شایسته‌ای)

قلمروها سه‌گانه

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده فضایی، تو سزاوار ثنایی

فکر: ستایش خداوند و بیان صفات او

ادبی: سجع: حکیم، عظیم، کریم، رحیم

زبانی: *حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی، بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد. / *کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند (هم‌قائوره کرامت) / *رحیم: بسیار مهربان، دلسوز، از نام‌ها و صفات خداوند (هم‌قائوره رحم) / *نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده (هم‌قائوره نما، نمایش) / فضل: برتری، لطف و احسان / *ثنا: ستایش، سپاس (ثنا گفتن: ستایش کردن: ثنا، روشنی)

قلمروها سه‌گانه

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

فکر: خداوند بالاتر از فهم و خیال انسان‌هاست.

ادبی: جناس ناهمسان (ناقص): وهم و فهم

زبانی: گنجیدن: جاشدن (هم‌قائوره کنه‌پایش) / *شبه: مانند، مثل، همسان (هم‌قائوره شبیه) / *وهم: پندار، تصور، خیال (هم‌قائوره توهم)

قلمروها سه‌گانه

همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

فکر: ستایش خداوند و بیان صفات او

ادبی: واج‌آرایی: تکرار صامت «ی» و مصوت «و» / تکرار: همه

زبانی: *عزّ: ارجمندی، گرامی‌شدن، مقابل دُلّ / *جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریای او اشاره دارد. / *یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت باشد. / *جود: بخشش، سخاوت، کرم / *جزا: پاداش کار نیک / *سرور: شادی، خوشحالی / «ی» در پایان واژه‌های این بیت صامت است و معنی فعل اسنادی دارد: نوری = نور هستی (استی)

قلمروها سه‌گانه

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی



قلمروها سه گانه

فکری: ستایش خداوند و بیان صفات او / اشاره به «علام الغیوب» و «ستار العیوب» بودن خداوند در مصراع اول. مصراع دوم نیز با «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلِّ مَنْ تَشَاءُ» نزدیکی مفهومی دارد.

ادبی: جناس ناهمسان: غیب و عیب / تضاد: بیش و کم: بکاهی و بیفزایی / تکرار: تو: همه / واج آرای: تکرار صامت «ی» و «ه»

زبانی: فعل‌های «بدانی»، «بپوشی»، «بکاهی» و «فزایی» (بیفزایی) همگی در زمان مضارع التزامی هستند.

لب و دندان سنایی، همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی



دیوان شعر، کلیم سنایی غزنوی

قلمروها سه گانه

فکری: یکتاپرستی و ستایش پروردگار مایه نجات از آتش دوزخ است. / امید به رهایی از آتش دوزخ

ادبی: تناسب: لب و دندان / ایهام تناسب: «روی» در مصراع دوم به معنی راه و چاره است؛ اما در معنی صورت و چهره با لب و دندان تناسب دارد.

زبانی: سنایی: تخلص شاعر است: سنا: نور و روشنی / مگر: به امید آن که، شاید که / * روی: مجازاً چاره، امکان، راه

واژه‌های مهم املا

با توجه به همراهی جفت‌واژه‌ها، املاي کدام واژه نادرست است؟

«فضل و کرم، ثنا و ستایش، حکیم و دانا، شبیح و مانند، وهم و خیال، عز و جلال، غیب و آشکار، سنای و روشنی»

(۱) ثنا (۲) شبیح (۳) سنا (۴) غیب

پاسخ: گزینه ۲ با توجه به همراهی واژه «مانند»، املاي شبیح مناسب نیست و باید به شکل شبه (هم‌خانواده تشبیه) نوشته شود.

فصل اول

ادبیات عالی



درس اول شکر نعمت



گلستان سعدی از شیرین‌ترین و زیباترین نثرهای فارسی است که به شعر آمیخته شده. گذشته از حکایت‌های پندآموز و عبارتهای زیبایی که برخی از آن‌ها ضرب‌المثل شده و هنوز در گفتارهای روزانه ما کاربرد دارد، شروع زیبای گلستان، هنر نویسندگی سعدی را به نمایش می‌گذارد. انتخاب این دیباچه به عنوان شروع کتاب درسی، بسیار انتخاب به‌جایی است. امیدوارم شما هم از آن لذت ببرید.

مَنْتِ خدای را، عَزَّ وَ جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

فکر ۴: نعمت‌های خداوند بی‌شمار است و شکر این نعمت‌ها را گفتن خود موجب افزایش نعمت است. / شکر نعمت نعمت افزون کند

ادبی: سجع: قربت و نعمت (رو واژه هم‌وزن یا هروف پایانی مشترک در انتهای دو عبارت آمده): حیات و ذات / تکرار: نعمت، نفس / تضاد: فرومی‌رود و برمی‌آید / تلمیح به آیه «لئن شکرتم لأزیدنکم»: اگر سپاس گوید بر [نعمت] شما می‌افزایم.

زبانی: *مَنْت: سپاس، شکر، نیکویی / خدای را [است]: از آن خداست، مخصوص خداست / *عَزَّ وَ جَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است: بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / قربت: نزدیکی، نزدیک شدن به خداوند / «به شکر اندرش»: در شکر او، کاربرد متمم با دو حرف اضافه / *مزید: افزونی، زیادی / مُمَدِّ: مددکننده، یاری‌رساننده / حیات: زندگی (هیاط، حصار، محوطه) / چون: هنگامی که / *مَفْرَحِ: شادی‌بخش، فرح‌انگیز

حذف فعل در جمله «مَنْتِ خدای را [است]» به قرینه معنوی و در جمله‌های «به شکر اندرش مزید نعمت [است]»، «مَفْرَحِ ذات [است]» و «بر هر نعمتی شکری واجب [است]» به قرینه لفظی صورت گرفته است.

نوع «ی» در «نعمتی» و «شکری» وحدت (که معنی «یک» می‌دهد) است.

فصل اول سه گانه



حذف فعل:

- گاهی در یک جمله، فعلی را می‌آوریم و در جمله دوم مجبوریم همان فعل را به کار ببریم؛ اما تکرار آن ملال‌آور می‌شود؛ در چنین موقعی یکی از فعل‌ها را به قرینه وجود دیگری حذف می‌کنیم؛ یعنی از تکرار آن پرهیز می‌کنیم. مخاطب هم از روی فعل دیگر به آن پی می‌برد؛ به این نوع حذف، حذف به قرینه لفظی می‌گویند (لفظ آن در جمله وجود دارد). هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات [است].

- گاهی هم فعل را بدون این که در جمله تکرار شده باشد حذف می‌کنیم. مخاطب باید با پیشینه ذهنی که دارد و با توجه به جمله، به فعل پی‌برد. به این نوع حذف، حذف به قرینه معنوی می‌گویند (از روی معنی به آن پی می‌بریم):

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد (به که: بهتر است که)

*غیر از فعل، سایر اجزای جمله هم به همین دو شکل می‌توانند حذف شوند.

تمرین در کدام یک از ابیات زیر حذف صورت نگرفته است؟

- ۱) اگر هست مرد از هنر بهره‌ور
 - ۲) کرم بین و لطف خداوندگار
 - ۳) دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین
 - ۴) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
- هنر خود بگوید نه صاحب‌هنر
گنه بنده کرده است و او شرمسار
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟

پاسخ: گزینه ۴

در گزینه ۱ حذف به قرینه لفظی وجود دارد: هنر خود بگوید نه صاحب‌هنر [بگوید]. در گزینه ۲ دو حذف وجود دارد که هر دو حذف به قرینه لفظی هستند: ۱- [تو] کرم بین (نهاد جدا به قرینه نهاد پیوسته (= شناسه) حذف شده است). ۲- گنه بنده کرده است و او شرمسار [است]. در گزینه ۳ حذف به قرینه معنوی است: به خدا قسم [می‌خورم]. همیشه به سوگندها دقت کنید. در گزینه ۴ هیچ‌گونه حذفی دیده نمی‌شود.

از دست و زبان که برآید
«اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ»
بندۀ همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ورنه، سزاوار خـداوندی‌آش
کس نتواند که به جای آورد

فکری: کسی نمی‌تواند آن‌گونه که سزاوار و شایسته‌ی خداوند است، شکر او را به جای آورد. / عذر به خاطر کوتاهی در بندگی و شکرگزاری

ادبی: جناس ناهمسان: برآید و درآید / مجاز: دست و زبان مجاز از وجود فرد. (البته می‌توان دست را مپاز از رفتار و زبان را مپاز از گفتار فرد دانست). / کنایه: «از عهدۀ کاری بر آمدن» کنایه از توانایی انجام آن کار را داشتن / تضمین: آوردن بخشی از آیه قرآن (آیه ۱۳ سوره سبأ) در متن / پرسش انکاری: از دست و زبان که برآید؟: از دست و زبان کسی بر نمی‌آید.

زبانی: که: چه کسی / کز: که از / *تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ... ای خاندان داوود سپاس به جای آرید و اندکی از بندگان من سپاس گزارند. / عذر: پوزش / ورنه: وگرنه / حذف به قرینه معنوی: سزاوار خداوندیش کس نتواند که [شکر] به جای آورد.

قلمروها سه گانه

بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمتِ بی‌دریغش همه جا کشیده.

فکری: فراگیر بودن رحمت و بخشندگی خداوند

ادبی: تشبیه (اضافۀ تشبیهی): رحمت به باران و نعمت به خوان تشبیه شده است. / سجع (موازنه): واژه‌های دو جمله تک به تک با یکدیگر سجع یا تکرار دارند. / تکرار: همه

زبانی: رحمت: بخشندگی، رحم / *خوان: سفره، سفرۀ فراخ و گشاده / دریغ: مضایقه کردن: بی‌دریغ: بدون مضایقه / کشیده: در این‌جا به معنی گسترده / «رسیده» و «کشیده» صفت مفعولی هستند.

قلمروها سه گانه

پردۀ ناموسِ بندگان به گناهِ فاحشِ ندرد و وظیفۀ روزی به خطایِ مُنکر نبرد.

فکری: خداوند آمرزنده و ستارالعیوب است.

ادبی: تشبیه (اضافۀ تشبیهی): ناموس و آبرو به پردۀ تشبیه شده: وظیفۀ روزی: تشبیه روزی به وظیفه (مقوق ماهیانه) / سجع: ندرد و نبرد / کنایه: «پردۀ کسی را دریدن» کنایه از رسوا کردن و برملا کردن راز او / تناسب: گناه خطا

زبانی: *ناموس: آبرو، شرافت / *فاحش: آشکار، واضح / دریدن: باره کردن / *وظیفه: مقرری، وجه معاش / *روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد: وظیفۀ روزی: رزق مقرّر و معین / *منکر: زشت، ناپسند / «پردۀ ناموس بندگان» مفعول و نشانه مفعولی آن حذف شده است.

قلمروها سه گانه

فَرَّاشِ بَادِ صَبَا رَا كَفْتَه تَا فَرَشِ زَمْرَدِينِ بَكْسْتَرْدِ دَايَةَ اَبْرِ بَهَارِي رَا فَرْمُودَه تَا بَنَاتِ نَبَاتِ دَر مَهْدِ زَمِينِ بِيَرُود. دَرخْتَانِ رَا بَه خَلْعَتِ نُوْرُوِي قِبَايِ سَبْزِ وُرُقِ دَر بَرِ كَرَفْتَه وَ اَطْفَالِ شَاخِ رَا بَه قَدُوْمِ مَوْسَمِ رَبِيْعِ كَلَاهِ شَكُوْفَه بَر سَرِ نِهَادَه. عَصَارَةَ تَاكِي بَه قَدْرَتِ اَوْ شَهْدِ فَايِقِ شَدَه وَ تَخْمِ خَرْمَايِي بَه تَرِيْبَتِشِ نَخْلِ بَاسِقِ كَشْتَه.

فکری: خداوند تمام اجزای طبیعت را پرورش داده و بدین‌گونه نعمت‌هایش را برای انسان آماده ساخته است.

ادبی: تشبیه (اضافۀ تشبیهی): فَرَّاشِ بَادِ صَبَا: باد صبا به فَرَّاشِ تشبیه شده: دایۀ ابر بهار: ابر بهار به دایه: بنات نبات: نبات (گیاهان) به بنات (دختران، کودکان); مَهْدِ زَمِينِ: زمین به مهد (گهواره); قِبَايِ سَبْزِ وُرُقِ: ورق (برگ) به قبای سبز; اَطْفَالِ شَاخِ: شاخه به اطفال; كَلَاهِ شَكُوْفَه: شکوفه به کلاه / استعاره: فرش زمردین استعاره از گیاهان و سبزه‌ها / تشخیص (و استعاره مکنیه): به باد صبا گفتن: به ابر فرمودن: به درخت خلعت دادن: قدوم بهار: کلاه بر سر شاخه نهادن / سجع: بگسترده و پیورده: گرفته و نهاده: فایق و باسق / تلمیح: مهد زمین اشاره دارد به آیه «الْمُ نَجْعِلِ الْاَرْضَ مِهَادًا: آیا زمین را گهواره‌ای قرار ندادیم؟»: نخل باسق نیز اشاره‌ای است به «وَالنَّخْلِ بَاسِقَاتٍ ...: و درختان تناور خرما ...»

زبانی: *فَرَّاشِ: فرش گستر، گسترندۀ فرش / مهد: گهواره / زمردین: از زمرد، منسوب به زمرد، صفت نسبی (اسم +ین); زمرد: سنگ گران‌قیمت به رنگ سبز که در جواهرسازی استفاده می‌شود. / *دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. / *بنات: جمع بنت، دختران / *نبات: گیاه، رُستنی / خلعت: پاداش، هدیه، جامۀ دوخته نشده که بزرگی به زبردست خود می‌دهد. / *قبا: جامه، جامه‌ای که از جلو باز است و با دکمه بسته می‌شود. / *ورق: برگ / شاخ: در این‌جا شاخه / *قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن / *موسم: فصل، هنگام، زمان / *ربیع: بهار / *عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند: افشره، شیره / *تاک: درخت انگور، رز / *شهد: عسل، شهد فایق: عسل خالص / *فایق: برگزیده، برتر / نخل: درخت خرما / *باسق: بلند

قلمروها سه گانه

به انواع «را» و معانی مختلفی که می‌تواند بگیرد دقت کنید:

- ۱- نشانه مفعولی: تو را می‌خواهم ای دیرینه دل‌خواه
- ۲- نشانه فک اضافه: چو خندان شد و چیره شاداب کرد
دربختان را قبای سبز ورق در بر گرفته: در بر درختان قبای سبز ورق گرفته
اطفال شاخ را کلاه شکوفه بر سر نهاده: کلاه شکوفه بر سر اطفال شاخ نهاده.
- ۳- به جای حرف اضافه «به» باد صبا را ... دایۀ ابر بهار را ... به باد صبا ... به دایۀ ابر بهار ...



۴- به جای حرف اضافه «برای»: دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را: برای خدا
 ۵- در معنی داشتن (مالکیت): مرا در سپاهان یکی یار بود: من در اصفهان یاری داشتم.
 ۶- در معنی اختصاص چیزی برای کسی: منت خدای را عز و جل: منت مخصوص خدای عز و جل است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند / همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

فکری: خداوند همه هستی را در اختیار انسان قرار داده و نعمت‌های زیادی به او عطا کرده است؛ وظیفه انسان است که در برابر این همه نعمت فرمانبردار و مطیع خداوند باشد و زندگی را به غفلت نگذراند.

ادبی: تناسب: ابر و باد، ماه، خورشید و فلک / تضاد: فرمانبردار و فرمان نبردن تضاد مفهومی دارند. / مجاز: «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» مجاز از همه هستی؛ «ن» مجاز از روزی و نعمت؛ «کف» مجاز از دست / کنایه: «به کف (دست) آوردن» کنایه از کسب کردن

زبانی: از بهر تو: برای تو / انصاف: عدل، داد

در خبر است از سرور کاینات و مقدر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم.
 شفیع مطاع نبی کریم / قسیم جسیم نسیم و سیم
 بلغ العلی بجماله، کشف الدجی بجماله / حسنت جمیع خصاله، صلوا علیه و آله
 چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشیمان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیمان؟
 هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. حق، سبحانه و تعالی فرماید: یا ملائکتی قد استحییت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.
 کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

فکری: بنا به فرموده رسول خدا (ص) هر گاه که بنده‌ای توبه کند و به درگاه خدا روی آرد، خداوند شرم می‌کند از این که او را اجابت نکند. یا ملائکتی قد استحییت من عبدی ... = کرم بین و لطف خداوندگار // گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشیمان ...: پشیمانی تو و وجود تو مایه دل‌گرمی و از بین رفتن غم‌ها و نگرانی‌هاست. بلغ العلی بجماله، کشف الدجی بجماله // حسنت جمیع خصاله، صلوا علیه و آله (معنی): بلندمرتبی از او به کمال رسید و تاریکی‌ها به وجود او بر داشته شد. همه ویژگی‌های او زیبا شد. بر او و بر خاندان او درود بفرستید. یا ملائکتی قد استحییت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له: ای فرشتگان من، شرم کردم از بنده‌ام و او کسی جز من ندارد؛ پس او را آمرزیدم.

ادبی: سجع: کاینات و موجودات: عالمیان و آدمیان: کریم و وسیم: انابت و اجابت / جناس ناهمسان: کریم، قسیم، نسیم، وسیم / تناسب: موج، بحر و کشتیمان / استعاره: دیوار امت (اضافه استعاری: امت به خانه یا مکانی تشبیه شده که دیوار دارد). / کنایه: «دست انابت برداشتن» کنایه از توبه کردن: «اعراض کردن» کنایه از توجه نکردن، رد کردن / تلمیح: اشاره به آیه ۱۰۷ سوره انبیا: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین: تو را فقط برای رحمت به جهانیان فرستادیم»

زبانی: سرور: بزرگ، پیشوا / کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان: سرور کاینات: کنایه از پیغمبر اسلام (ص) / *مفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند. مایه ناز و بزرگی / رحمت عالمیان: مایه رحمت برای موجودات دو جهان / *صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / *تتمه: باقی مانده: تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال زمان رسالت / *شفیع: شفاعت کننده / *مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. / *نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول (جمع آن: انبیا) / کریم: بخشنده / *قسیم: صاحب جمال / *جسیم: خوش اندام (هم‌قائوره هم) / *نسیم: خوش بو / *وسیم: دارای نشان پیغمبری / *انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی («دست انابت» اضافه اقتضائی است؛ یعنی دستی که برای توبه و به منظور توبه برداشته شده است). / اجابت: پاسخ دادن، در مورد دعا یعنی برآورده شدن، پذیرفته شدن / جل و علا: باشکوه و بزرگوار است. / بازش بخواند: دوباره او را بخواند (نقش شمیر = مفعول)؛ خواندن: صدا زدن، مورد خطاب قرار دادن / *اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی. / *تضرع: زاری کردن، التماس کردن / بار دیگرش: بار دیگر او را (نقش شمیر = مفعول) / سبحانه و تعالی: منزه است و بلندمرتبه / حذف به قرینه معنوی: دعوتش [را] اجابت کردم و امیدش [را] برآوردم. / کرم: بخشش، بزرگی، جوانمردی

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حق عبادتک، و اصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حق معرفتک.

فکری: حتی آنان که در عبادت خدا و در عرفان غرق شده‌اند، می‌دانند که سزاوار او نتوانسته‌اند عبادت کنند و او را بشناسند. / کسی نمی‌تواند آن‌طور که باید خدا را بشناسد یا او را چنان عبادت کند که شایسته است. / ما عبدناک حق عبادتک: آن‌چنان که باید تو را عبادت نکردیم / ما عرفناک حق معرفتک: تو را آن‌گونه که باید نشناختیم.

ادبی: تشبیه (اضافه تشبیهی): کعبه جلال: حلیه جمال / سجع (ترصیع): عاکفان کعبه جلال و اصفان حلیه جمال: ما عبدناک حق عبادتک و ما عرفناک حق معرفتک

زبانی: *عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند. / جلال: بزرگی، شکوه، عظمت / *تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / *معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده / *واصفان: ج و اصف، وصف کنندگان، ستایندگان / *حلیه: زیور / جمال: زیبایی (هم‌قائوره همیل) / *تحیر: سرگشتگی، سرگردانی / *منسوب: نسبت داده شده

گر کسی وصف او ز من پرسد
عاشقان کشتگان معشوق‌اند

بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
بر نیاید ز کشتگان آواز
یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده، آن‌گه که از این معامله باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»
گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

گلستان، سعدی

فکر: از خود بی‌خود شدن عاشق / کسی از عاشق راستین خبری نخواهد شنید. / رازداری عاشقانه

«هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کند // وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» (*بنان: سرانگشت، انگشت)

ادبی: کنایه: «بی‌دل» کنایه از عاشق؛ «سر به جیب فرو بردن» کنایه از عبادت یا تفکر کردن؛ «دامن از دست رفت» کنایه از کنترل خود را از دست دادن / تکرار: کشتگان؛ خبر / تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): بحر مکاشفت / استعاره: «این بوستان» استعاره از مراقبت و مکاشفت؛ «سوخته» استعاره از پروانه؛ / تشخیص (و استعاره): خطاب به مرغ سحر؛ الگوی عشق بودن پروانه / تضاد: بی‌خبر و خبر شدن

زبانی: صاحب‌دل: عارف، عاشق الهی / جیب: گریبان؛ «جیب مراقبت» اضافهٔ اقترانی است. / *مراقبت: در اصطلاح عرفانی کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / *مکاشفت: کشف کردن و آشکارساختن. در اصطلاح عرفانی پی بردن به حقایق است. / مستغرق: غرق شده / تحفه: هدیه، سوغات / *معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی. در این‌جا منظور همان مراقبت و مکاشفت است. / *انبساط: حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه نباشد؛ خودمانی شدن (به طریق انبساط: از روی همیمنیت) / *کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن / درخت گل: بوتهٔ گل / هدیهٔ اصحاب را: به‌عنوان هدیه برای اصحاب؛ اصحاب: یاران، هم‌صحبتان / جهش ضمیر: بوی گلم چنان مست کرد: بوی گل چنان مستم کرد. / سوخته را جان ...: جان سوخته (عاشق) / شد: رفت، از دست رفت / مدعی: کسی که ادعایی می‌کند؛ در این‌جا منظور مدعی عشق است.

فهرست واژه‌ها گانه

واژه‌های مهم املا

در گروه‌واژه‌های زیر، املاي چند واژه نادرست است؟

«قربت و نزدیکی، حیات و زندگی، مفرح و شادی‌بخش، ذات و سرشت، تقصیر و کوتاهی، عذر و بهانه، گناه فاهش، باد صبا، قبای سبز، عسارهٔ تاک، شهید فایق، نخل باسق، غفلت و بی‌توجهی، سفوت و برگزیده، مطاع و فرمانروا، خصال نیک، موج بهر، انابت و توبه، نذر و نگاه، اعراض و روی گردانی، عاکف و گوشه‌گیر، حلیه و زیور، تحیر و سرگشتگی، جیب مراقبت، بحر مکاشفت، مستغرق و غریق، طریق انبساط، تحفه و هدیه، عاشق و معشوق»

(۴) شش

(۳) پنج

(۲) سه

(۱) چهار

پاسخ: گزینهٔ ۳

واژه‌هایی که املاي نادرست دارند و اصلاح آن‌ها: فاهش ← فاحش، عساره ← عصاره، سفوت ← صفوت (هم‌خانوادهٔ صفی)، بهر (قسمت و نصیب) ← بحر (دریا)، نذر (شرط و پیمان) ← نظر (نگاه)

از دید کنکور

اسلوب معادله در بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان // چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

کلیله و دمنه، ترجمه نصرالله منشی

فکری: تجربه ناقص یا نتیجه نادرست گرفتن از تجربه‌های روزگار مایه شکست و ناکامی است.

زبانی: بط: مرغابی / قصدی می‌کرد: حمله می‌کرد / فرو گذاشت: رها کرد (به تفاوت املای «گذاشت» به معنی رها کرد با «گزارد» به معنی به پای آورر وقت کنیز) / «دیگر روز»: کاربرد صفت مبهم پیش از هسته («روز دیگر») / «ی» در فعل‌های «بدیدی»، «بردی» و «نپیوستی» نشانه استمرار است: می‌دید، می‌برد، نمی‌پیوست / ثمرت: حاصل، نتیجه

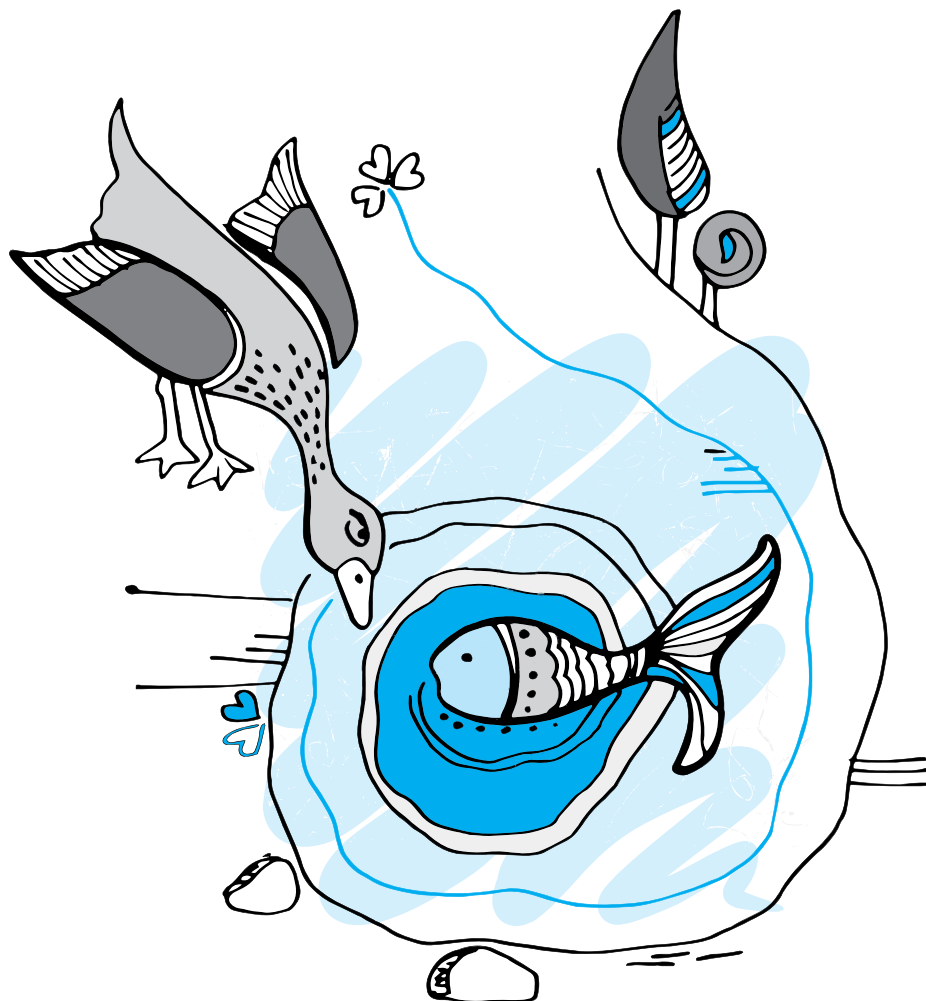
«واژه‌های مهم املا»

با توجه به معنی، املاي کدام واژه صحیح نیست؟

- (۱) بط (مرغابی) (۲) فروگذاشت (رها کرد) (۳) ثمرت (نتیجه) (۴) حاصل (نتیجه)

پاسخ: گزینه ۲

«گذاشتن» به معنی قرار دادن، وضع کردن، اجازه دادن و رها کردن است و «گزارش» به معنی به‌جا آوردن، ارائه کردن.



آزمون تشریحی



قلمرو زبانی

۷ نمره

الف) معنی واژگان

۱/۵ نمره

۱. معنی واژه‌های مشخص شده را با توجه به مصراع‌ها و عبارات زیر بنویسید.
الف) تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی (۰/۲۵)
ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (۰/۲۵)
ج) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات. (۰/۵)
د) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد. (۰/۵)

ب) املاي واژگان

۱/۵ نمره

۲. املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید. (۰/۷۵)
الف) فرّاش باد (سبا / صبا) را گفته تا فرش زمردین بگسترد.
ب) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و (خان / خوان) نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.
ج) تخم خرمایی به تربیتش نخل (باسق / باسخ) گشته.
۳. در بیت زیر واژه‌ای را که املاي نادرست دارد، بیابید و اصلاح کنید. (۰/۵)
«تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار سنایی»
۴. کدام یک از واژه‌های زیر اهمیت املاي دارد؟ (۰/۲۵)
۱- درگاه ۲- حیات ۳- شکوفه ۴- پریشان‌روزگار

۴ نمره

ج) دستور

۵. رابطهٔ معنایی هر یک از جفت‌واژه‌های زیر را در مقابل آن‌ها بنویسید. (۱ نمره)
۱) قسیم و جسیم: ۲) خورشید و فلک: ۳) پروانه و شمع: ۴) فاحش و آشکار:
۶. نوع حذف را در عبارت‌های زیر بنویسید. (۱ نمره)
۱) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.
۲) عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حق عبادتک.
۷. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در عبارت زیر بنویسید. (۰/۵)
یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرورده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.
۸. مصراع دوم بیت زیر را به زبان فارسی معیار بازگردانید. (۰/۵)
«عاشقان کشتگان معشوق‌اند
برنیاید ز کشتگان آواز»
۹. نوع «و» را در دو مصراع زیر مشخص کنید و بنویسید. (۰/۵)
«کرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کرده است و او شرمسار»
۱۰. زمان فعل جملهٔ اول در عبارت زیر کدام است؟ (۰/۵)
«فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد.»
۱- ماضی ساده ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی بعید ۴- ماضی استمراری

۵ نمره

قلمرو ادبی

۱۱. در جدول زیر هر یک از موارد گروه «الف» با کدام یک از آرایه‌های گروه «ب» مرتبط است؟ (۱ نمره)

الف	ب
۱) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی	تناسب
۲) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی	کنایه
۳) چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.	ایهام
۴) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.	تلمیح

۱۲. واژه‌های مشخص‌شده را در عبارت زیر از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید. (۱/۵ نمره)
«فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیوردد.»

۱۳. جناس و مجاز را در ابیات زیر بررسی کنید. (۱ نمره)
الف) از دست و زبان که برآید
ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
کز عهدهٔ شکرش به درآید
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۱۴. در هر یک از موارد زیر، کدام آرایهٔ داخل کمانک درست است؟ (۰/۵)
الف) هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات. (کنایه - سجع)
ب) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد. (کنایه - استعاره)

۱۵. واژه‌های مشخص‌شده نماد چه مفاهیمی هستند؟ (۰/۵)
«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۱۶. در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.» واژگان سجع را بنویسید. (۰/۵) (نهایی - دی ماه ۹۷)

۸ نمره

قلمرو فکری

۴ نمره

الف) معنی و مفهوم

۱۷. معنی هر یک از عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.

(نهایی قارچ از کشور - فردا ۹۸)

الف) طاعتش موجب قربت است.
ب) بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

۱۸. در هر یک از عبارات زیر، مفهوم قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

(نهایی - دی ماه ۹۷)

الف) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
ب) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۱۹. معنی و مفهوم مصراع‌های زیر را بنویسید.

الف) این مدعیان در طلبش بی‌خیرانند
ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
ج) همه بیشی تو بگاهی، همه کتّی تو فرازی
د) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

۴ نمره

ب) درک مطلب

۲۰. مفهوم قسمت مشخص‌شده در بیت زیر چیست؟ (۰/۵)

(نهایی قارچ از کشور - فردا ۹۸)

«چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

۲۱. منظور از «بی‌دل» و «بی‌نشان» در بیت زیر چیست؟ (۱ نمره)

«گر کسی وصف او ز من پرسد
بی‌دل از بی‌نشان چه پرسد باز»

۲۲. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید. (۱ نمره)

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
ب) گر کسی وصف او ز من پرسد
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
بی‌دل از بی‌نشان چه پرسد باز

۲۳. منظور از مصراع «تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» چیست؟ (۰/۵)

۲۴. با توجه به بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» شرط عاشقی چیست؟ (۰/۵)

۲۵. عبارت «خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده» به کدام صفت الهی اشاره دارد؟ (۰/۵)

پربسش‌های چهارگزینه‌ای



قلمرو زبان: الف) واژگان و املا

- ۲۶. معنای درست لغات «تحفه، جود، سزا، جزا» در کدام گزینه آمده است؟**
- ۱) هدیه، کرم، لایق، پاداش کار نیک
۲) ارمغان، بخشش، شایسته، جرم
۳) ارمغان، بخشنده، سزاوار، پاداش کار نیک
۴) هدیه، سخاوت، لیاقت، کیفر
- ۲۷. معنای چند لغت داخل کمانک نادرست است؟**
- «پویدن: رفتن) - (انابت: پشتیبانی) - (تاک: زر) - (فضل: کرم) - (وهم: خیال) - (موسم: مراسم) - (منت: نیکویی) - (قدم: قدم‌ها)»
- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهارم
- ۲۸. در کدام گزینه معنای یک لغت نادرست است؟**
- ۱) ثنا: سپاس) (تضرع: زاری کردن) (اعراض: انصراف)
۲) حلیه: فریب) (خون: سفره) (منکر: ناپسند)
۳) (ملک: پادشاه) (شبه: مثل) (روی: راه)
۴) (فایق: برتر) (فاحش: واضح) (ورق: برگ)
- ۲۹. معنای واژه مشخص‌شده در کدام گزینه نادرست است؟**
- ۱) ز ما اینجا همی کنجاره (نخاله کنجد) ماند
۲) جهاد از قهر بر خاک اوفتاده
۳) هرکسی را وظیفه و عملی است
۴) همه پاره دلم را ز سرور او نصیبی
- ۳۰. معنی «وظیفه» در کدام گزینه متفاوت است؟**
- ۱) حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
۲) رسید مزده که آمد بهار و سبزه دمید
۳) بر خوان وظیفه تو شاها
۴) ای نفس چون وظیفه روزی مقرر است
- ۳۱. معنی کلمات مشخص‌شده در بیت زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**
- «شَفِیعَ مطاعِ نبی کریم
فرمانبر، صاحب‌جمال، خوش‌اندام، دارای نشان پیامبری
فرمانبر، زیبا، خوش‌اندام، خوشبو»
- ۱) فرمانبر، صاحب‌جمال، خوش‌اندام، دارای نشان پیامبری
۲) فرمانبر، زیبا، خوش‌اندام، خوشبو
۳) فرمانبر، زیبا، خوش‌اندام، خوشبو
۴) فرمانبر، زیبا، خوش‌اندام، خوشبو
- ۳۲. معنی چند کلمه نادرست آمده است؟**
- «باسق (بلند)، انابت (بازگشت)، قدم (قدم‌ها)، تقصیر (گناه)، مُدِّ (باری)، فراش (فرش‌گستر)، پویدن (تلاش)، واصف (ستاینده)»
- ۱) دو
۲) سه
۳) چهار
۴) پنج
- ۳۳. در کدام گزینه غلط املائی هست؟**
- ۱) خیز خاقانیا ز خوان جهان
۲) وفا کیشتم چرا انده دروادم؟
۳) دوش گفتم بنشین زانک قیامت برخاست
۴) بر شاخ وجود، بنده مرغی است
- ۱) خیز خاقانیا ز خوان جهان
۲) وفا کیشتم چرا انده دروادم؟
۳) دوش گفتم بنشین زانک قیامت برخاست
۴) بر شاخ وجود، بنده مرغی است
- ۳۴. در میان گروه کلمات زیر چند غلط املائی دیده می‌شود؟**
- «عز و جل - اعراض و روی گرداندن - شبه و همسان - مفرح و فرح‌انگیز - سفوت و برگزیده - تهفه و ارمغان - حلیه و زیور - تضرع و زاری»
- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار
- ۳۵. در گروه کلمات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟**
- «طریق انبساط - قربت و نزدیکی - مفرح ذات - خوان نعمت - خلعت نوروزی - عساره تاک - مهد زمین - بهر مکاشفت - قصد و نیت - عابد و آکف»
- ۱) دو
۲) سه
۳) چهار
۴) پنج
- ۳۶. در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟**
- ۱) اندیشه کنم که وقت یاری
۲) هست سنایی به شعر بنده درگاه او
۳) نهال خوش‌ثمر رهگذار طفلانیم
۴) تیغش بلندکرده بازوی صفوت است
- ۱) اندیشه کنم که وقت یاری
۲) هست سنایی به شعر بنده درگاه او
۳) نهال خوش‌ثمر رهگذار طفلانیم
۴) تیغش بلندکرده بازوی صفوت است
- ۳۷. در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟**
- ۱) شد روان از بادبان پر ساخته
۲) خداوندی است تدبیر جهان را
۳) تو چنانی به حیل و تلبیس
۴) دلم بردی به جانم قصد کردی
- ۱) شد روان از بادبان پر ساخته
۲) خداوندی است تدبیر جهان را
۳) تو چنانی به حیل و تلبیس
۴) دلم بردی به جانم قصد کردی
- ب) دستور زبان**
- ۳۸. نقش دستوری کلمات مشخص‌شده در کدام گزینه نادرست است؟**
- ۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش
۲) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده. (مفعول)
۳) درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته. (مضاف‌الیه)
۴) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. (قید)
- ۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش
۲) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده. (مفعول)
۳) درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته. (مضاف‌الیه)
۴) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. (قید)

۴۹. در متن زیر نقش دستوری کلمات مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 «به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلچ چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

- ۱ متتم، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه
 ۲ قید، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه
 ۳ متتم، متتم، مضاف‌الیه، مفعول
 ۴ قید، متتم، مفعول، مضاف‌الیه

۴۰. در کدام بیت ضمیر متصل، نقش مضاف‌الیه ندارد؟

- ۱ ما را به آب دیده شب و روز ماجراست
 ۲ طرب‌سرای محبت کنون شود معمور
 ۳ نسیم زلف تو چون بگذرد به تربت حافظ
 ۴ گفتمش سلسله زلف بتان از بی چیست؟

۴۱. ضمیر متصل در کدام گزینه نقش مفعولی دارد؟

- ۱ مستم آن‌جا مبر ای یار که سرمستان‌اند
 ۲ نه عجب شب درازم که دو دیده باز باشد
 ۳ هرگزم این گمان نبد با تو که دوستی کنم
 ۴ پیش از آنم که به دیوانگی انجامد کار

۴۲. در بیت «دام دل صاحب‌نظرانت خم گیسوست / وان خال بناگوش مگر دانه دام است» ضمیر متصل «ت» متعلق به کدام واژه است؟

- ۱ دام
 ۲ صاحب‌نظر
 ۳ گیسو
 ۴ دل

۴۳. نقش ضمیر متصل در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ گردن نهم به خدمت و گوشت کنم به قول
 ۲ گر دهیم ره به خویش یا نگذاری به پیش
 ۳ گفتم که بر خیالت راه نظر بندم
 ۴ شهسوار من که مه آینه‌دار روی اوست

۴۴. در کدام گزینه حذف فعل به قرینه معنوی است؟

- ۱ با تو همه برگ‌ها مهیاست
 ۲ پرتو نور روی تو هر نفسی به هر کسی
 ۳ به جان دوست که دشمن بدین رضا ندهد
 ۴ جور کشم بنده‌وار ور کشدم حاکم است

۴۵. در همه گزینه‌ها حذف فعل دیده می‌شود، به جز.....

- ۱ من بی‌مایه که باشم که خریدار تو باشم
 ۲ فغان من از دست جور تو نیست
 ۳ ای روی تو راحت دل من
 ۴ آبی است محبت تو گوئی

۴۶. در کدام بیت حذف فعل به «قرینه معنوی» صورت گرفته است؟ (سراسری، تیرم ۹۶)

- ۱ حکایت از لب شیرین‌دهان سیم‌اندام
 ۲ کسان را درم داد و تشریف و اسب
 ۳ به چشم‌های تو دانه که تا ز چشم برفتی
 ۴ به جای خاک، قدم بر دو چشم سعدی نه

۴۷. در همه ابیات، فعل به قرینه معنوی محذوف است، به جز..... (سراسری، هنر ۹۶)

- ۱ گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
 ۲ گران‌جان‌تر ز شنیم نیست جان ناتوان من
 ۳ رسید ناله سعدی به هرکه در آفاق
 ۴ هرکه سودای تو دارد چه غم از هرکه جهانش

۴۸. در کدام بیت حذف فعل به قرینه لفظی صورت گرفته است؟ (سراسری، زبان ۹۶)

- ۱ کجا دست‌گیرد دعای وی‌ات
 ۲ یکی را که سعی قدم پیش‌تر
 ۳ بفرمود گنجینه گوهرش
 ۴ دعای منت کی بود سودمند

قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی)

۴۹. در کدام عبارت آرایه «سجع» دیده می‌شود؟

- ۱ به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را.
 ۲ بوی گلچ چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
 ۳ دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.
 ۴ عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمايي به تربیتش نخل باسق گشته.

۵۰. در کدام گزینه «سجع» دیده نمی‌شود؟

- ۱ امروز بشارت است و رحمت و فردا عز و ناز و کرامت.
 ۲ حلق یعقوب در حلقه دام ارادت یوسف آویختند و نقطه حقیقت در پرده غیرت.
 ۳ آخر شب شدت و وحشت به پایان رسید و صبح وصال از مطلع شادی بدمید.
 ۴ پیر طریقت گفت: خود را مبینید که خودبینی را روی نیست، خود را منکارید که خودنگاری را رای نیست.

۵۱. در متن «در عنفوان جوانی، چنان که افتد و دانی، با شاهدی سری و سرّی داشتیم ... اتفاقاً به خلاف طبع از وی حرکتی بدیدم که نپسندیدم، دامن ازو درکشیدم و مهره برچیدم.» چند واژه در جایگاه سجع قرار دارند؟

- ۱ هفت ۲ شش ۳ پنج ۴ چهار

۵۲. در کدام بیت نماد به کار نرفته است؟

- ۱ هدهدش گفت ای ز دولت بی‌نشان
۲ خویش را از شوق او دیوانه‌وار
۳ مرغ دل در قفس سینه ز شوق
۴ چو گل در مهد آمد بلبل مست

۵۳. در کدام گزینه هر دو ترکیب «اضافه تشبیهی و اضافه استعاری» وجود دارد؟

- ۱ مهد زمین، دست روزگار، درخت گل
۲ باران رحمت، نبات بنات، وظیفه روزی
۳ مریخ در قفس سینه ز شوق
۴ فرار صبا، خوان نعمت، نخل باسق

۵۴. در کدام بیت آرایه نوشته‌شده نادرست است؟

- ۱ تا چند ز خون مژه در کوی تو احباب
۲ عجب از چشم تو دارم که شبانش تا روز
۳ رازم چو شمع بر همه آفاق گشته فاش
۴ کس زبان چشم خوبان را نمی‌داند چو من

۵۵. در کدام بیت تعداد تشبیه‌ها بیشتر است؟

- ۱ غبار دامن صحرای خاکساری شو
۲ روشنگر آیینۀ دل‌ها دم صبح است
۳ بر تونس سبکرو پا در رکاب عمر
۴ هر سنگ فتنه‌ای که رها شد ز دست چرخ

۵۶. در همه گزینه‌ها مجاز وجود دارد، به جز

- ۱ لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
۲ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
۳ از دست و زبان که برآید
۴ هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کند

۵۷. در همه گزینه‌ها تشبیه و استعاره هست، به جز

- ۱ اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.
۲ فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند.
۳ دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.
۴ باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریش همه جا کشیده.

۵۸. آرایه‌های «تشبیه، مراعات نظیر، مجاز» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ۱ نه او به چشم ارادت نظر به جانب ما
۲ زانگه که مرا روی تو محراب نظر شد
۳ پاره گرداند زلیخای صبا
۴ ما سایه آفتاب عشقیم

۵۹. آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟ (سراسری، خارج از کشور ۹۶)

- «نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی
۱ استعاره، حس آمیزی، مجاز، حسن تعلیل
۲ تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب
۳ تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب
۴ تشبیه، ایهام، نغمه حروف، مراعات نظیر»

قلمرو فکری (قرابت معنایی)

۶۰. کدام گزینه با مفهوم مصراع نخست بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید/ مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ ثنا و حمد بی‌پایان خدا را
۲ روی طمع از خلق بیبچ ار مردی
۳ گفتم این شرط آدمیت نیست
۴ خود نه زبان در دهان عارف مدهوش

۶۱. مفهوم بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگنجی/ نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ وهم تهی‌پای بسی ره نوشت (طی کرد)
۲ زنده نام جبروتش احد
۳ پیش تو گر بی‌سروپای آمدیم
۴ هرچه در صورت عقل آید و در وهم و قیاس

۶۲. مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم
۲ بشر ماورای جلالش نیافت
۳ زبان جمله مرغان بدانند او به بصیرت
۴ نه ادراک در کنه ذاتش رسید

۶۳. مفهوم مصراع «همه پیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) خاطر آزادگان بند کم و بیش نیست
- ۲) گاه یکی را ز چه به گاه بزد
- ۳) جان فدای نفس نادره مردانی باد
- ۴) یکی را ز چاه آورد سوی گاه

۶۴. مفهوم بیت «عاشقان کشتگان معشوق‌اند/ بر نیاید ز کشتگان آواز» در کدام گزینه است؟

- ۱) این همه ناله‌های من نیست ز من همه ازوست
- ۲) با تیر غمت لب به شکایت نکشودم
- ۳) کشته معشوق را درد نباشد که خلق
- ۴) لالند عارفان تو از شرح چند و چون

۶۵. مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) هر که را اسرار حق آموختند
- ۲) گر خود رقیب شمع است اسرار ازو پوشان
- ۳) اهل معنی یک قلم در ضبط اسرار خودند
- ۴) از دهان باز بودم حلقه بیرون در

۶۶. مفهوم عبارت «باران بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده»، در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ۱) در دامگاه قسمت روزی مقیدیم
- ۲) می‌خورم خون جگر تا می‌برم روزی به سر
- ۳) چنان پهن خوان کرم گسترد
- ۴) قسمت ما از بهاران همچو گل خمیازه‌ایست

۶۷. هر یک از مفاهیم «ادا کردن وظیفه، رسوا کردن، بی‌اختیار شدن، متحیر» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف) به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد
 - ب) باز بیجه دور آسمانم چه کنم؟
 - ج) نزد این گریه‌ها بر آتشم آبی و دانستم
 - د) لاغ (شوخی) مکن که خسروا، دامن خود ز من مکش
- ۱ ج، الف، د، ب ۲ ب، ج، الف، د ۳ الف، ج، ب، د ۴ د، الف، د، ب

۶۸. مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش
- ۲) خداوندگارا نظر کن به جود
- ۳) گدا چون کرم بیند و لطف و ناز
- ۴) چراغ یقینم فرا راه دار

۶۹. مفهوم بیت «از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ۱) تا در دهان زبان بودم در زبان مرا
- ۲) گر شکر تو این زبان نمی‌داند گفت
- ۳) شکر انصاف بر زبان بهار
- ۴) زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید

۷۰. عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «گفت به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را، چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»
- ۱) هر کجا سروقدی چهره چو یوسف بنمود
 - ۲) هر کسی بی‌خویشتن جولان عشقی می‌کند
 - ۳) صورت یوسف نادیده‌صفت می‌کردیم
 - ۴) تو با این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی
- (سراسری، زبان ۹۶)

۷۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) قاصد ز برم رفت که آرد خبر از یار
 - ۲) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
 - ۳) خبر از درد ندارند طیبیان زنهار
 - ۴) قاصد که تو را دید ندارد خبر از خود
- (سراسری، ریاض ۹۵)

۷۲. مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) ای نهان‌دان آشکارابین
- ۲) نهان و آشکارایی همیشه
- ۳) راز پوشیده گرچه هست بسی
- ۴) هم قصه ناموده دانی

۷۳. در همه ابیات به ناتوانی بشر در وصف و شناخت خدا اشاره شده، به جز

- ۱) بزرگی‌اش ناید به وهم اندرون
- ۲) سست جولان ز عجز ذاتش وهم
- ۳) دانستم از صفات که ذات منزه است
- ۴) عقل مانند ماست سرگردان

نه اندیشه بشناسد او را که چون
تنگ‌میدان ز کنه وصفش فهم
از شرکت مشابه و از شبهت نظیر
در ره کنه او چو ما حیران

۷۴. مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت زیر دورتر است؟

«از دست و زبان که برآید

- ۱ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
- ۲ شکر انعامت اگر گوئیم هم
- ۳ فضل خدای را که تواند شمار کرد
- ۴ سپاس بار خدایی که شکر نعمت او

۷۵. در کدام بیت سخن از وصف بهار نیست؟

- ۱ برنا کند صبا به فسون اکنون
- ۲ آراست دگرباره جهاندار جهان را
- ۳ شاخ درختان شد از شکوفه نوحیز
- ۴ نیست در سایه اشجار نهان پرتو مهر

۷۶. کدام بیت از مفهوم «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده» دورتر است؟

- ۱ بی‌رشوت و بی‌بیمی بر کافر و بر مؤمن
- ۲ بر بندگان خویش همه لطف و رحمت است
- ۳ تو رحمت خدایی و هر ساعت از خدا
- ۴ مؤمن و کافر ز تو یافته روزی و جان

۷۷. مفهوم کدام بیت به بیت «کرم بین و لطف خداوندگار

- ۱ باشد که ز سرمایه الطاف تو یابیم
- ۲ تو اهل عطیاتی و ما اهل خطیئات
- ۳ به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد
- ۴ آزاد کن ز راه کرم گر نمی‌کشی

کز عهده شکرش به درآید؟»

همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
باشد انعام دگر در شأن ما
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد
هزار سال کم از حق او بود یک‌دم

این پیرگشته صورت دنیا را

چون خلد برین کرد زمین را و زمان را
بر صفت طفل نو برآمده دندان
آفتابی است ز گرما شده در سایه نهان

هر روز برفشانی از لطف تو احسان‌ها

گرچه ز بنده در ره او زرق و کیمیا (مکر)ست
بر جهان و طبع و نفس تو رحمت نثار باد
حضرت بی‌منع توست این همه را خواستار

گنه بنده کرده است و او شرمسار» نزدیک است؟

سودی که از او دفع توان کرد زبان‌ها
از ما همه این آید و از تو همه آن‌ها
گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید
ما را چه بی‌گناه گرفتار کرده‌ای

۱۰۷۶. مفهوم کدام بیت از بیت «دل‌م را داغ عشقی بر جبین نه / زبانم را بیانی آتشین ده» دورتر است؟

- ۱) بازم به نازی شاد کن ای نازنین دلدار من
- ۲) به بزم عشق میارید سینه‌های بی‌داغ
- ۳) به مهر این ذره ناچیز بنواز
- ۴) خدایا ناله‌ام را دل‌نشین کن

۱۰۷۷. مفهوم کدام بیت از مفهوم سایر ابیات دورتر است؟

- ۱) ندارد راه فکرم روشنایی
- ۲) هرکجا آتشی بر فروزی
- ۳) صفایی ده این خاک تاریک را
- ۴) ز نور خود شیم را روزگردان

۱۰۷۸. در کدام گزینه به «ناتوانی عقل در شناخت خدا» اشاره نشده است؟

- ۱) ز تو بی‌خبر عقل دانش‌پناه
- ۲) راه خود گم نکند در شب تاریک ضلال
- ۳) ز ملک تو یک ذره بی‌کار نیست
- ۴) بر این نادانی و عجزم ببخشای

۱۰۷۹. در کدام بیت مفهومی متفاوت با دیگر ابیات وجود دارد؟

- ۱) طبعی که راه گم کند او را تو
- ۲) ای خرد سرگشته درگاه تو
- ۳) رهی دور است و منزل ناپیدار
- ۴) خرد را گر نبخشد روشنایی

۱۰۸۰. کدام بیت به مفهوم مصراع دوم بیت «اگر لطف تو نبود پرتو انداز / کجا فکر و کجا گنجینه راز» نزدیک‌تر است؟

- ۱) کسی کاو آدمی را کرد بنیاد
- ۲) حرف کمالش ز خط کبریا
- ۳) لطف او لطف است بیرون از عدد
- ۴) دلی کز خرد گردد آراسته

۱۰۸۱. مفهوم کدام بیت از دیگر ابیات دور است؟

- ۱) چو آخر وقت بیچایبچ گردد
- ۲) و آن دم که مرا به من دهی باز
- ۳) گم‌شدگانیم در این تنگنای
- ۴) به راه این امید پیچ در پیچ

تاریخ ادبیات

۱۰۸۲. «بهارستان» اثر کیست؟

- ۱) سعدی
- ۲) نظامی
- ۳) جامی
- ۴) عطار

۱۰۸۳. نام پدیدآورنده کدام اثر نادرست نوشته شده است؟

- ۱) تاریخ بیهقی (ابوالفضل بیهقی) ۲) اسرارالتوحید (ابوسعید ابوالخیر)
- ۳) تذکره‌الاولیاء (عطار نیشابوری) ۴) سیاست‌نامه (خواجه نظام‌الملک)

۱۰۸۴. جلال‌الدین محمد بلخی با همه شاعران ذکر شده دیدار داشته است، به‌جز

- ۱) سنایی
- ۲) عطار
- ۳) فخرالدین عراقی
- ۴) سعدی

۱۰۸۵. در کدام گزینه نام پدیدآورنده آثار به‌تمامی درست ذکر شده است؟

- ۱) الهی‌نامه: سنایی / فرهاد و شیرین: وحشی بافقی
- ۲) بهارستان: جامی / غزلیات شمس: شمس تبریزی
- ۳) الهی‌نامه: عطار / قابوس‌نامه: خواجه نظام‌الملک توسی
- ۴) روضه خلد: سهروردی / اسرارنامه: عطار نیشابوری

۱۰۸۶. همه آثار زیر منظوم‌اند، به‌جز

- ۱) بوستان
- ۲) اسرارنامه
- ۳) بهارستان
- ۴) تحفه‌الاحرار

۱۰۸۷. توضیح مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) ادبیات تعلیمی: موضوع و مفهومی از حکمت، اخلاق و مذهب را به شیوه اندرز بازگو می‌کند.
- ۲) ادبیات غنایی: بیان عواطف و آرمان‌های یک ملت است (چه شعر باشند، چه نثر).
- ۳) خاطره‌نگاشت: بخشی از زندگی‌نامه محسوب می‌شوند که دارای شرح و توصیف نیز هستند.
- ۴) موضوع ادبیات پایداری: عدالت‌خواهی، دعوت به مبارزه و سازش نکردن در برابر ظلم.

۱۰۸۸. کدام اثر از عطار نیشابوری نیست؟

- ۱) الهی‌نامه
- ۲) اسرارنامه
- ۳) سیاست‌نامه
- ۴) تذکره‌الاولیاء

۱۰۸۹. کدام اثر از لحاظ منظوم یا منثور بودن متفاوت است؟

- ۱) اسرارالتوحید
- ۲) روضه خلد
- ۳) منطق‌الطیر
- ۴) مرصادالعباد

۱۰۹۰. «ناق‌آبی، روزها، ارزیابی شتاب‌زده، از پاریز تا پاریس» به‌ترتیب از چه کسانی است؟

- ۱) اسلامی ندوشن، زرین‌کوب، جلال متینی، باستانی پاریزی ۲) سپهری، اسلامی ندوشن، آل‌احمد، باستانی پاریزی
- ۳) سپهری، زرین‌کوب، آل‌احمد، بدیع‌الزمان فروزانفر ۴) اسلامی ندوشن، اسلامی ندوشن، جلال متینی، بدیع‌الزمان فروزانفر

۱۰۹۱. کدام شاعر، از رباعی‌سرایان معروف فارسی نیست؟

- ۱) خیام
- ۲) عطار
- ۳) مولوی
- ۴) باباطاهر

۱۰۹۲. پدیدآورندگان «اسرارنامه، بهارستان، فیه ما فیه» به ترتیب صاحب کدام آثارند؟

- ۱ تحفة الاحرار، گلستان، غزلیات شمس
۲ منطلق الطیر، تحفة الاحرار، مثنوی معنوی
۳ الهی‌نامه، بوستان، روضه خلد
۴ فرهاد و شیرین، لطایف الطوائف، غزلیات شمس

۱۰۹۳. نام پدیدآورنده چند اثر در مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

«در حیاط کوچک پاییز در زندان (اخوان ثالث)، اخلاق محسنی (واعظ کاشفی)، لطایف الطوائف (محمد عوفی)، شلوارهای وصله‌دار (رسول پرویزی)، داستان‌های دل‌انگیز فارسی (جلال متینی)، من زنده‌ام (معصومه آباد)، در یادلان صف‌شکن (مرتضی آوینی)»

- ۱ چهار
۲ سه
۳ دو
۴ یک

۱۰۹۴. نام چند اثر با نام ذکرشده در مقابل آن مرتبط است؟

«زندگانی جلال‌الدین محمد (بدیع‌الزمان فروزانفر)، نمونه‌های نثر فارسی (لطفعلی صورتگر)، حمله حیدری (باذل مشهدی)، دری به خانه خورشید (سید مهدی شجاعی)، تیرانا (مهرداد اوستا)، مانده‌های زمینی (مهستی بحرینی)، دیوان غربی - شرقی (ریچارد باخ)، پیامبر و دیوانه (ع. پاشایی)»

- ۱ شش
۲ پنج
۳ چهار
۴ سه

۱۰۹۵. «سودابه پرتوی، عبدالحسین زرین‌کوب، ع. پاشایی، نجف دریابندری» به ترتیب مترجمان کدام آثار از ادبیات جهان‌اند؟

- ۱ پرنده‌ای به نام آذرباد، قصه‌های دوشنبه، ماه نو و مرغان آواره، پیامبر و دیوانه
۲ مانده‌های زمینی و مانده‌های تازه، سمفونی پنجم جنوب، پرنده‌ای به نام آذرباد، دیوان غربی - شرقی
۳ سمفونی پنجم جنوب، قصه‌های دوشنبه، پرنده‌ای به نام آذرباد، پیامبر و دیوانه
۴ مانده‌های زمینی و مانده‌های تازه، سمفونی پنجم جنوب، ماه نو و مرغان آواره، دیوان غربی - شرقی

۱۰۹۶. در کدام گزینه نام پدیدآورندگان همه آثار درست آمده است؟

- ۱ (اسرارالتوحید: محمد بن منور)، (فی حقیقه العشق: عین‌القضات همدانی)، (لیلی و مجنون: نظامی)
۲ (تفسیر سوره یوسف: احمد بن محمد زید توسی)، (زندان موصل: معصومه آباد)، (سیاست‌نامه: نظام‌الملک توسی)
۳ (قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو)، (روایت سنگ‌سازان ۲: مرتضی آوینی)، (عباس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی)
۴ (پیوند زیتون بر شاخه تنج: موسی گرم‌رودی)، (بینوایان: ویکتور هوگو)، (ارمیا: رضا امیرخانی)

۱۰۹۷. نام پدیدآورندگان «سندبادنامه، سه دیدار، سانتاماریا، الهی‌نامه» به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱ نصرالله منشی، نادر ابراهیمی، محمدرضا رحمانی، عطار
۲ ظهیری سمرقندی، نادر ابراهیمی، سید مهدی شجاعی، سنایی
۳ مجد خوافی، اصغر رباط جزی، سلمان هراتی، عطار
۴ نظامی، اصغر رباط جزی، مجید واعظی، سنایی

۱۰۹۸. به ترتیب کدام آثار «منظوم، منظوم، منثور، منثور» هستند؟

- ۱ بوستان، الهی‌نامه، تحفة الاحرار، کلیله و دمنه
۲ گلستان، لیلی و مجنون، مرصادالعباد، فیه ما فیه
۳ شاهنامه، تذکره الاولیاء، قابوس‌نامه، بهارستان
۴ فرهاد و شیرین، مثنوی مولوی، تمهیدات، اخلاق محسنی

درس اول

آزمون تشریحی

۱. الف) ثنا: حمد و ستایش ب) شبه: مانند (هم‌خانواده: شبیه، تشبیه) ج) ممد: مددکننده، یاری‌رساننده / مفرح: شادی‌بخش، فرح‌انگیز د) ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: آشکار، واضح
۲. الف) صبا ب) خوان ج) باسق
۳. سنایی (نام شاعر) - ثنایی (سزاوار ثنا هستی)
۴. حیات (زندگی)
۵. ۱- ترادف ۲- تناسب ۳- تناسب ۴- ترادف
۶. ۱- «است» در پایان جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است. ۲- «اند» بعد از واژه «معترف» به قرینه معنوی حذف شده است.
۷. مراقبت: مضاف‌الیه / بحر: متمم
۸. بنده گنه کرده و او شرمسار است.
۹. در مصراع اول «و» حرف عطف است: کرم و لطف خداوندگار را ببین؛ اما در مصراع دوم بین دو جمله آمده و حرف ربط هم‌پایه‌ساز است.
۱۰. گزینه ۲ گفته [است] - ماضی نقلی
۱۱. ۱) ایهام: توأم راه نمایی- ۱- تو راهنمای منی ۲- تو آن راه را به من می‌نمایی (۲) تناسب: لب و دندان (۳) کنایه: دامنم از دست برفت - اختیارم را از دست دادم. (۴) تلمیح: اشاره به ضرب‌المثل «شکر نعمت نعمت افزون کند»
۱۲. فرش زمردین: استعاره از گیاهان / دایه ابر: اضافه تشبیهی / مهد زمین: اضافه تشبیهی
۱۳. الف) «دست و زبان» مجاز از کل وجود انسان ب) «فهم» و «وهم» جناس ناهمسان
۱۴. الف) سجع: حیات و ذات ب) کنایه: «برده‌داری» کنایه از رسوا کردن و برملا کردن راز کسی
۱۵. مرغ سحر: مدعی عشق / پروانه: عاشق راستین
۱۶. واژگان سجع: فائق - باسق
۱۷. الف) اطاعت و بندگی او سبب نزدیک شدن به او می‌شود. ب) دوباره با التماس و زاری او را صدا می‌زند.
۱۸. الف) از خود بی‌خود شدم (یا اختیارم را از دست دادم) ب) تبدیل به نخل بلند شده است.
۱۹. الف) این مدعیان عشق، از راه رسیدن به او آگاهی ندارند. ب) نمی‌توان تو را وصف کرد زیرا تو بالاتر از درک انسان هستی. ج) تو می‌توانی زیاده‌ها را کم و کم‌ها را زیاد کنی (به کسی بیخشی یا از او بگیری) د) همه حیران و مطیع تو هستند.
۲۰. آمتی که تو پشتیبان و حامی آن‌ها هستی، هیچ غم و ترسی ندارد.
۲۱. بی‌دل: عاشق، عارف / بی‌نشان: خداوند
۲۲. مفهوم مشترک: ذات خداوند برای بشر قابل درک و وصف نیست.
۲۳. ضرورت توجه به سرچشمه نعمت‌ها و غافل نبودن از او
۲۴. رازداری و خاموشی
۲۵. بخشش عام و همگانی دیده می‌شود.

پرستش‌های چهارگزینه‌ای

۲۶. گزینه ۱) معنی «چود» در گزینه ۲ (بخشنده) نادرست است (ردّ گزینه ۲)، معنی «سزا» نیز در گزینه ۴ نادرست است (ردّ گزینه ۴)، در گزینه ۳ نیز واژه «جزا» نادرست معنی شده.
۲۷. گزینه ۲) انابت: پشیمانی / موسم: فصل، هنگام / قدوم: آمدن؛ جمع قدم، اقدام است.
۲۸. گزینه ۲) حلیه: زیور، زینت؛ حیلّه به معنای چاره، مکر و فریب است.
۲۹. گزینه ۳) در این‌جا به معنی «تکلیف» است. (با توجه به معنای کل بیت) هر واژه ممکن است معانی مختلفی داشته باشد و در کتاب درسی، تنها یکی از معانی «وظیفه» نوشته شده است.

مشاوره:

*دقت کنید که هر واژه را با توجه به مفهوم جمله‌ای که در آن به کار رفته و با توجه به همراهی سایر واژه‌ها باید معنی کرد.

۳۰. گزینه ۱) «وظیفه» در گذشته به معنی مقرری و حقوق بوده است (در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴)؛ امروزه به معنی تکلیف و کاری است که بر عهده کسی باشد. (گزینه ۱)
۳۱. گزینه ۴) «مطاع» به معنی فرمانروا و کسی است که از فرمان او اطاعت می‌شود (حذف گزینه‌های ۱ و ۳). وسیم نیز به معنی دارای نشان پیامبری است، نه خوش‌اندام (حذف گزینه ۲)
۳۲. گزینه ۱) «قدوم» به معنی «قدم نهادن» است و «ممد» به معنی «یاری‌رساننده».
۳۳. گزینه ۴) «منسوب» صورت درست نوشتاری است (به معنی نسبت‌داده‌شده).
۳۴. گزینه ۲) صفوت (به معنی برگزیده، هم‌خانواده مصطفی) و تحفه (به معنی ارمغان) صورت درست واژه‌هایی‌اند که نادرست نوشته شده بودند.
۳۵. گزینه ۲) املائی درست واژه‌ها: عساره ← عساره (به معنی شیره و افشرده)، بهر (قسمت، نصیب) ← بحر (دریا)، آکف ← عاکف (گوشه‌نشین، هم‌خانواده معتکف، اعتکاف)
۳۶. گزینه ۲) «ثناپوری» شکل درست نوشتاری است. ثنا: ستایش و مدح. «سنا»: روشنائی و نور.
۳۷. گزینه ۱) «بط» به معنای مرغابی درست است، نه «بُت» (با توجه به مفهوم جمله و همراهی واژه «آب»).
۳۸. گزینه ۲) «را» در این گزینه به معنی «به» است؛ پس فراش باد صبا متمم فعل «گفت» است؛ به فراش باد صبا گفته است. صورت مرتب‌شده گزینه ۳: در بر درختان به خلعت نوروزی قیای سبز ورق گرفته.
۳۹. گزینه ۴) «چون» به معنی هنگامی که قید است. «را» در «هدیه اصحاب را» به معنی حرف اضافه «برای» است؛ پس «هدیه اصحاب» متمم است. «م» در «گلم» مفعول و در دامنم، مضاف‌الیه کلمه «دست» است.
۴۰. گزینه ۴) در این گزینه ضمیر متصل «ش» که به فعل چسبیده (گفتمش) نقش متممی دارد؛ به او گفتیم. در سایر گزینه‌ها، ضمیر متصل نقش مضاف‌الیهی دارد. گزینه ۱: کوبش ← کوی او، گزینه ۲: ابروی یار منم مهندس بود ← ابروی یار من مهندس او بود. گزینه ۳: کالبدش ← کالبد او.
۴۱. گزینه ۱) مستم آن‌جا مبر ← مرا مست آن‌جا مبر. در سایر گزینه‌ها ضمیر نقش مضاف‌الیه دارد: گزینه ۲: شب درازم که دو دیده باز باشد ← شب دراز که دو دیده من باز باشد. / گزینه ۳: هرگز من این گمان نید ← هرگز این گمان من نید. / گزینه ۴: پیش از آنم که به دیوانگی انجامد کار ← پیش از آن‌که کار من به دیوانگی انجامد.

مشاوره:

برای دانستن نقش واژه‌ها باید مفهوم جمله‌ها را خوب درک کنید و برای درک مفاهیم ابتدا باید جمله‌ها را مرتب کنید (به‌خصوص در شعر) پس قدم اول، مرتب کردن جمله‌هاست و قدم بعدی معنی کردن آن‌ها. حالا با خیال راحت نقش‌های دستوری را پیدا کنید.

۴۲. گزینه ۳) گفتیم که برای یافتن نقش واژه‌ها (به‌ویژه ضمیرهای متصل) باید جمله‌ها را مرتب کنیم و هر یک را در جای خود بنویسیم؛ پس یافتن محل اصلی ضمیر در پیدا کردن نقش آن اهمیت دارد. برویم سراغ مفهوم: شاعر می‌خواهد بگوید که «خم گیسوی تو دام دل صاحب‌نظران است»؛ پس «ت» متعلق به گیسو است.
۴۳. گزینه ۲) در این گزینه ضمیر متصل «م» نقش مفعولی دارد و اگر جمله را مرتب کنیم، قبل آن حرف اضافه می‌آید: گر دهیم ره ... ← گر به من راه دهی ... ضمیر متصل در سایر گزینه‌ها نقش مضاف‌الیهی دارند: ۱. گوشت کم‌په قول ← به قولت گوش کنم / خاطرم معلق است. ۳. خیالت (مضاف مضاف‌الیه) ۴. خورشید بلندش ← خورشید بلند او (مضاف‌الیه برای خورشید)
۴۴. گزینه ۳) به جان دوست (قسم می‌خورم). این نوع حذف: یعنی حذف فعل قسم خوردن در جملاتی که با «به» شروع می‌شوند، پرکاربرد است. گزینه ۱: هیچ حاصل من (است)، (حذف به قرینه لفظی). گزینه ۲: حذف فعلی ندارد. گزینه ۴: بارکشی کار من (است)، (حذف به قرینه لفظی).

۱۰۷۱. **گزینه (۱)** - مانند بیت سؤال، «طلب سوزندگی دل خویش» را دارد و از خداوند می‌خواهد که آتش عشق را در دلش شعله‌ور کند.

گزینه ۲ - شاعر دوست دارد که غم از دل او پاک نشود. / گزینه ۳ - راز پنهان عاشق آشکار می‌شود و نمی‌تواند آن را مخفی کند. عشق پنهان کردنی نیست. / گزینه ۴ - آلودگی و ریاکاری از خرقة صوفیان می‌آید و عاقلان دور از دیوانگی و سوز عاشقان هستند.

۱۰۷۲. **گزینه (۲)** - یاد و خاطر محبوب و دلبر در دل و خاطر عاشق همیشگی و پابرجاست

گزینه ۱ - «سوز سینه» و آه آتشین امید است که در دل یار اثر بگذارد. / گزینه ۲ - «سوز دل» من شمع را نیز آب کرد. / گزینه ۴ - تأثیرگذاری «آه سوختگان» و دل‌سوزان را نباید دست کم گرفت.

۱۰۷۳. **گزینه (۲)** - انسان خودخواه و خودبین عاشق نیست، خود را مبین و به کار من (محبوب و دلبر) مشغول باش.

مفهوم سایر ابیات همانند بیت سؤال **ارزش سوز آتشین و عشق** را بیان می‌کنند.

۱۰۷۴. **گزینه (۱)** - مانند صورت سؤال دل خونین و اشک گریان؛ از خدا طلب می‌کند و این اعطا را کرامت خدایی می‌داند.

گزینه ۲ - درخواست عروج و کمال دارد. / گزینه ۳ - طمع بهشت ندارد و درصدد آبادی دل‌هاست که آبادساختن دل‌ها بر زندگی در بهشت و جنت ترجیح دارد. / گزینه ۴ - ترسیدن از ملامت و سرزنش دیگران

۱۰۷۵. **گزینه (۲)** - عشق باعث روشنایی و آتشین شدن قلب می‌شود. در گزینه‌های دیگر به کلام و آتشین بودن زبان اشاره شده است.

۱۰۷۶. **گزینه (۳)** - مفهوم این بیت **طلب مقام بالا و رفیع** است؛ اما گزینه‌های دیگر به داغ‌دار بودن و بهره‌مندی از عشق اشاره دارند. در بیت چهارم به آتشین بودن زبان و قلم نیز اشاره شده است.

۱۰۷۷. **گزینه (۲)** - هرکجا که آتش را روشن کنی و نور بتابانی انجمن‌ها و محفل‌ها را روشنی می‌بخشد.

در سایر ابیات طلب نور و خواهش روشنایی و بینایی مفهوم اصلی ابیات است.

۱۰۷۸. **گزینه (۲)** - اگر خرد و عقل را چون مشعل بیش روی خود داشته باشی راه خود را در شب تاریک گمراهی، گم نمی‌کنی. **توصیه به عقل‌ورزی و خرداندیشی** است.

در گزینه‌های دیگر صراحتاً به **ناتوانی عقل** اشاره شده است.

گزینه ۱ - عقل بی‌خبر است و از راه‌یافتن به تو ناتوان. / گزینه ۳ - خرد اجازه (بار) ورود و حضور ندارد. / گزینه ۴ - شاعر در این بیت می‌گوید مرا به خاطر عجز و ناتوانی‌ام ببخش و خودت راه را به من نشان بده (اشاره به ناتوانی عقل در پیدا کردن راه درست و نیاز آن به هدایت الهی).

۱۰۷۹. **گزینه (۱)** - در ستایش ممدوح می‌گوید که هر گم‌گشته‌ای را تو مانند ستاره روشن به سوی عقل و خرد راهنمایی می‌کنی. گزینه‌های دیگر به **ناتوانی عقل در شناخت خداوند** اشاره دارند.

گزینه ۲ - سرگستگی و حیرانی عقل / گزینه ۳ - راه دور و گم‌شدن خرد در این راه / گزینه ۴ - در تیره‌رایی و گمراهی ماندن عقل. اگر لطف خدا نباشد عقل در تاریکی می‌ماند.

۱۰۸۰. **گزینه (۱)** - بیت اول و بیت صورت سؤال بر این مفهوم تکیه دارند: **فکر و ذهن آدمی نمی‌تواند به درک و فهم خداوند برسد.**

مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه ۲ - خاموش بودن انبیا و سخن نگفتن ایشان از اسرار الهی. / گزینه ۳ - لطف خداوند به‌شمار نمی‌آید و بخشش او خارج از اندازه و عدد است. / گزینه ۴ - دلی که آراسته و با خرد باشد مانند گنجی است که از ثروت پر شده است.

۱۰۸۱. **گزینه (۱)** - همه ابیات به **لطف خداوند و دستگیری خداوند** در سختی‌ها و مشکلات اشاره می‌کند در حالی که بیت اول به ناتوانی اسباب دنیا در سختی‌ها و دشواری‌ها اشاره دارد.

تاریخ ادبیات

۱۰۸۲. **گزینه (۳)** - «بهارستان» اثر جامی و به نثر است.

۱۰۸۳. **گزینه (۲)** - «اسرارالتوحید» نام کتابی است از «محمد بن منور» که از نوادگان شیخ ابوسعید ابوالخیر بود، در شرح حالات و زندگانی ابوسعید.

۱۰۸۴. **گزینه (۱)** - مولانا در کودکی هنگام عبور از نیشابور به همراه پدرش

با فریدالدین عطار نیشابوری ملاقات داشته و عطار کتاب «اسرارنامه» را به او هدیه داده است. همچنین سعدی و فخرالدین عراقی شیفته مولانا بودند و ظاهراً با او دیدار کرده‌اند.

۱۰۸۵. **گزینه (۱)** - در گزینه ۲ «غزلیات شمس» سروده مولانا است؛ نه شمس. در گزینه ۳ «قابوس‌نامه» اثر عنصرالمعالی کیکاووس است (سیاست‌نامه اثر خواجه نظام‌الملک است). در گزینه ۴ نیز «روضه خلد» نوشته مجد خوافی به سهروردی نسبت داده شده که نادرست است.

۱۰۸۶. **گزینه (۳)** - بهارستان جامی به نثر نوشته شده است. سایر آثار به نظم‌اند.

۱۰۸۷. **گزینه (۲)** - آرمان‌های ملت در ادبیات حماسی بازگو می‌شوند. ادبیات غنایی بیان عواطف شخصی، حالات عاشقانه و ... است.

۱۰۸۸. **گزینه (۳)** - «سیاست‌نامه» اثر **خواجه نظام‌الملک توسی** است.

۱۰۸۹. **گزینه (۳)** - منطق‌الطیر عطار نیشابوری به نظم است؛ اما اسرارالتوحید (محمد بن منور)، روضه خلد (مجد خوافی) و مرصادالعباد (نجم دایه) به نثر نوشته شده‌اند.

۱۰۹۰. **گزینه (۲)** - اتاق آبی، سپهری، روزها؛ اسلامی ندوشن، ارزیابی شتاب‌زده، آل‌احمد، از پاریز تا پاریس: باستانی پاریزی

۱۰۹۱. **گزینه (۴)** - «باباطاهر» از **دوبیتی‌سرایان** است نه رباعی‌سرایان.

۱۰۹۲. **گزینه (۲)** -

ترشد در این گونه تست‌ها ابتدا باید پدیدآورندگان آثار صورت سؤال را پیدا کنید و گوشه‌های یادداشت کنید. بعد به ترتیب با گزینه‌ها مقایسه و ردّ گزینه کنید. «اسرارنامه» از عطار، «بهارستان» از جامی و «فیه ما فیه» از مولانا است. برویم سراغ گزینه‌ها: «تحفة‌الاحرار» از جامی است (ردّ گزینه ۱)، «فرهاد و شیرین» از وحشی بافقی است (ردّ گزینه ۴) «بوستان»، هم که از سعدی شیرازی است (ردّ گزینه ۳).

۱۰۹۳. **گزینه (۳)** - (۱) «لطایف‌الطوائف» از فخرالدین علی صفی است و (۲) داستان‌های دل‌انگیز فارسی از زهرا کیا (خانلری).

۱۰۹۴. **گزینه (۲)** -

مشاوره:

خیلی وقت‌ها اشتباه ما ناشی از دقت و توجه کم ماست. همیشه صورت سؤال را دقیق بخوانید. (۱) بدیع‌الزمان که پدیدآورنده «زندگانی جلال‌الدین محمد» است. (۲) لطفعلی صورتگر هم نویسنده داستان «اولین روزی که به خاطر دارم» است که در کتاب «نمونه‌های نثر فارسی» نقل شده؛ پس این هم مرتبط است. (۳) حمله حیدری از بادل مشهدی است. (۴) «تیرانا» نوشته مهرداد اوستا است. (۵) «ماتده‌های زمینی» ترجمه مهستی بحرینی است. سایر موارد ارتباطی با نام ذکر شده ندارند.

۱۰۹۵. **گزینه (۱)** - پرنده‌ای به نام آذریاد (ریچارد باخ): سودابه پرتوی، قصه‌های دوشنبه (آلفونس دوده): عبدالحسین زرین‌کوب، ماه نو و مرغان آواره (رابیندرانات تاگور): ع. پاشایی، پیامبر و دیوانه (جبران خلیل جبران): نجف دریابندی

۱۰۹۶. **گزینه (۲)** - در گزینه ۱ «فی حقیقة‌العشق» از سهروردی است نه عین‌القضات. در گزینه ۲ «زندادان موصل» نوشته اصغر رباط جزئی است و در گزینه ۳ «روایت سنگ‌سازان ۲» از عیسی سلمانی.

۱۰۹۷. **گزینه (۳)** - نام پدیدآورنده «الهی‌نامه» در هر چهار گزینه درست است. (هم عطار و هم سنایی، هر دو «الهی‌نامه» دارند)، «سندبادنامه» از ظهیری سمرقندی، «سه دیدار» از نادر ابراهیمی و «سانتاماریا» از سید مهدی شجاعی است.

۱۰۹۸. **گزینه (۴)** - از روش ردّ گزینه استفاده می‌کنیم: «گلستان» به نثر نوشته شده، هرچند آمیخته به نظم است (ردّ گزینه ۲)، «تذکره‌الاولیا» هم از عطار نیشابوری و به نثر است (ردّ گزینه ۳) در گزینه ۱ نیز «تحفة‌الاحرار» جامی به‌عنوان اثر منتور آمده که نادرست است. این اثر به نظم است. (ردّ گزینه ۱). سایر موارد درست ذکر شده‌اند.



از مجموعه کتاب‌هاک هدف‌دار پایه دوازدهم منتشر شد:

دین و زندگی | عربی | زبان انگلیسی | فلسفه
جامعه‌شناسی | تاریخ | جغرافیا | ریاضی و آمار



دروس عمومی
تخصص ماست

فروشگاه آنلاین:

www.Moshaveranpub.com

تهران، انقلاب، خ ۱۲ فروردین، نبش کوچه مهر، پلاک ۱۸، واحد دوم



sms: ۰۲۱۶۶۹۵۳۲۰۵

@ensanidabir

@moshaveraneirann

@ensaniha

moshaveraneamozesh

۰۲۱ - ۶۶۹۷۵۷۲۷

ISBN 978-600-218-212-8



9 786002 182128